

۱۳۸۸ - ۱۳۸۷

ibrahim Mas'udi

۱۳۸۷ - ۱۳۸۶

۱۳۸۶ - ۱۳۸۵

۱۳۸۵ - ۱۳۸۴

۱۳۸۴ - ۱۳۸۳

۱۳۸۳ - ۱۳۸۲

۱۳۸۲ - ۱۳۸۱

۱۳۸۱ - ۱۳۸۰



ماسوجی ایبوسه

باران سیاه

ترجمه از ژاپنی قدرت الله ذاکری

۱۳۸۵ - ۱۳۸۴

۱۳۸۴ - ۱۳۸۳

۱۳۸۳ - ۱۳۸۲

۱۳۸۲ - ۱۳۸۱

۱۳۸۱ - ۱۳۸۰

۱۳۸۰ - ۱۳۷۹

۱۳۷۹ - ۱۳۷۸

۱۳۷۸ - ۱۳۷۷

۱۳۷۷ - ۱۳۷۶

۱۳۷۶ - ۱۳۷۵

۱۳۷۵ - ۱۳۷۴

۱۳۷۴ - ۱۳۷۳

۱۳۷۳ - ۱۳۷۲

فصلنامه‌ی «راه من» در روزنامه‌ی چوگوکو شینبون^۱ آن را نقل کرد. ساعت هشت صبح روز ششم ماه اوت سال ۱۹۴۵، ارتش آمریکا پسر کوچک^۲ اتمی خود را روی هیروشیما انداخت تا فاجعه‌ای رخ دهد که هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد. فاجعه‌ی هیروشیما و بمباران اتمی روز نهم ماه اوت ناگاساکی، باعث شد امپراتور هیروهیتو^۳ که از دید ملت تباری آسمانی داشت، روز پانزدهم ماه اوت در برنامه‌ای رادیویی به زبان یک انسان معمولی خطاب به

مقدمه

آن زمان آمریکا جنگ را بسیار جدی گرفته بود و جزئیات حمله‌ی آمریکا به ویتنام خبر روز شده بود. آخرش فکر کردم، باید در مخالفت با جنگ چیزی بنویسم. باران سیاه داستانی است که بعد از جنگ ویتنام نوشتم.

این دلیل، انگیزه‌ی نوشتن رمان باران سیاه است که خود ایبوئه در مصاحبه‌ای با عنوان «راه من» در روزنامه‌ی چوگوکو شینبون^۱ آن را نقل کرد. ساعت هشت صبح روز ششم ماه اوت سال ۱۹۴۵، ارتش آمریکا پسر کوچک^۲ اتمی خود را روی هیروشیما انداخت تا فاجعه‌ای رخ دهد که هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد. فاجعه‌ی هیروشیما و بمباران اتمی روز نهم ماه اوت ناگاساکی، باعث شد امپراتور هیروهیتو^۳ که از دید ملت تباری آسمانی داشت، روز پانزدهم ماه اوت در برنامه‌ای رادیویی به زبان یک انسان معمولی خطاب به

۱. 中国新聞 / Chūgoku shinbun: در سال ۱۸۹۲ در هیروشیما آغاز به کار کرد و فروش آن در شهرستان‌های اطراف هیروشیما هم گسترش پیدا کرد. بعد از واقعه‌ی بمباران اتمی بیشتر مطالب و مقالات آن درباره‌ی صلح و بمباران اتمی شد.
 ۲. نام بمبی اتمی که آمریکا بر هیروشیما انداخت (Little boy).
 ۳. 裕仁天皇 / Hirohito Tennō (1901-1989): در دوره‌ی این امپراتور ژاپن دست به اشغال سرزمین‌های دیگر زد اما سرانجام شکست خورد و در نهایت مقام امپراتوری به مقامی تشریفاتی بدل شد.

یک

در این چند سال، شیگه ماتسو شیزوما^۱ از روستای کوباتاکا^۲ مسئولیت یاسوکو^۳ دختر برادرزنش را برعهده داشت. او نه تنها در این سال‌ها، که حالا هم فکر می‌کند، بعد از این باید نسبت به یاسوکو احساس مسئولیت دوچندانی داشته باشد. گویا دینی بزرگ به گردن دارد. چون هرچند به سبب دوری یاسوکو وضعیت ساده به نظر می‌رسید، اما شایعه‌ای پخش شده بود مبنی بر این که اواخر جنگ، یاسوکو هنگام خدمت زیر پرچم^۴، در واحد آشپزخانه‌ی گروه خدمات مدرسه‌ی راهنمایی شماره‌ی دو هیروشیما کار می‌کرده. مردم روستای کوباتاکا در بیست و پنج فرسنگی شرق هیروشیما، می‌گفتند یاسوکو بیماری بُمبِ اتم دارد. می‌گفتند آقا و خانم شیگه ماتسو بیماری او را مخفی می‌کنند. حتا افرادی هم که برای خواستگاری از یاسوکو پیش همسایه‌ها تحقیق می‌کردند وقتی این شایعه را می‌شنیدند، بی‌خیال می‌شدند و پرس‌وجو را ادامه نمی‌دادند.

1. 閑間重松 / Shizuma Shigematsu

2. 小島 / Kobatake

3. 矢須子 / Yasuko

۴. هنگام جنگ دوم جهانی، ارتش ژاپن در جبهه‌های زیادی مشغول جنگ بود. نیاز شدید به سرباز و کارگر، باعث شده بود تا تمام مردان و زنان دارای توانایی جنگ و کار موظف به خدمت شوند. کسانی که در داخل کشور در کارخانه‌های ساخت وسایل جنگی کار می‌کردند، نیاز نبود به جبهه اعزام شوند.